



## سبک زندگی و محیط ساخته شده

زهرا پورحسینی<sup>۱</sup>، شهرام پوردیهیمی<sup>۲</sup>، رضا سرعلی<sup>۳</sup>، سیده فاطمه موسوی نیا<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد (z.pourhosseini@mail.um.ac.ir)

۲- استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

۳- دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (rezaserali@yahoo.com)

۴- استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد (mousavinia@um.ac.ir)

### چکیده

محیط ساخته شده صرفاً یک ساختار فیزیکی نیست؛ بلکه سیستمی مرکب از «خصوصیات کالبدی»، «فعالیت‌ها» و «معانی ذهنی» استفاده‌کنندگان است که این اجزا در راستای برآوردن اهداف سکونت تحت قانونمندی و انتظام مشخص در طول «زمان» با هم تعامل می‌کنند. بر اساس نظر صاحب‌نظران، این سیستم خود زیرمجموعه سیستم بزرگتری به نام «سیستم فرهنگی» است. به بیان دیگر، محیط ساخته شده یک پدیده فرهنگی است و قوانین روابط میان اجزای آن ناشی از فرهنگ ساکنان است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که مقوله فرهنگ در مطالعات و طراحی محیط نقش اساسی دارد. با وجود این، بنا به تصریح پژوهشگران، به دلیل «انتزاعی» و «کلی» بودن مفهوم فرهنگ، این مفهوم در برنامه‌ریزی، طراحی و ارزیابی محیط ساخته شده قابل استفاده نیست. صاحب‌نظران برای قابل استفاده کردن مفهوم فرهنگ، این مفهوم را به متغیرها و نمودهای ملموس تر آن تجزیه کرده‌اند. در این روش، از یک سو به جای مفهوم انتزاعی فرهنگ، نمودهای اجتماعی آن مانند ساختار خانواده، روابط خویشاوندی، نقش‌ها، پایگاه اجتماعی، نهادهای اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، مفهوم کلی فرهنگ ابتدا به مفاهیم ملموس تری مانند جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها و سپس به ایده‌آل‌ها، تصویرها، اسکیمها، معانی و در ادامه به هنجارها، استانداردها، انتظارات و قواعد خاص تجزیه می‌شود. هر دو حالت تجزیه فرهنگ در نهایت به «سبک زندگی» منتهی می‌شود که ملموس‌ترین نمود فرهنگ و کاربردی‌ترین مفهوم برای ارتباط-دادن فرهنگ به محیط ساخته شده است و روش‌های قابل قبولی برای مطالعه و تحلیل آن وجود دارد. مرور تعاریف سبک زندگی نشان می‌دهد که سبک زندگی کلیتی از عناصر نظام‌مند است که حاصل ترجیحات فردی یا جمعی بوده، میان افراد و گروه‌ها تمایز ایجاد می‌کند و دارای وجوه نمادین، کارکردی، عینی و ذهنی است. در مورد ارتباط سبک زندگی و محیط ساخته شده، مهمترین موضوع سازگاری میان وجوه عینی و ذهنی سبک زندگی است. از این رو، شناخت ذهنیات افراد و معانی پنهان در فعالیت‌های آنها برای طراحان محیط ضرورت و اهمیت دارد. به منظور دستیابی به این شناخت، مقاله حاضر، با اتخاذ رویکرد درون فرهنگی، شیوه «توصیف روایی» جزئیات زندگی افراد را به مثابه مبنای اولیه تبیین‌های برون فرهنگی توسط پژوهشگران توصیه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، سبک زندگی، روایت زندگی، محیط ساخته شده.

### ۱- مقدمه

انسان، موجودی فرهنگی-طبیعی است، که در سلسله تکاملی زیستی خود بر روی زمین، پس از چیرگی بر طبیعت توسط فرهنگ، از وابستگی مطلق به امکانات محیط طبیعی رهایی یافته است [۱]. بر اساس نظر راپاپورت (۲۰۰۵)، بعد از آغاز دوره کشاورزی، «منظرهای طبیعی» به طور واضح تری توسط انسان تغییر یافته و به تدریج به «منظرهای فرهنگی» تبدیل شده‌اند. از نظر وی، سکونتگاه‌های انسانی منظرهای فرهنگی تمام‌عیاری محسوب می‌شوند که نتیجه تصمیم‌ها و انتخاب‌های افراد و



گروه‌های مختلف در دوره‌های مختلف تاریخ یا به عبارتی نتیجه فرهنگ بوده است. به بیان دیگر، محیط ساخته شده یک پدیده فرهنگی است و قوانین روابط میان اجزای آن ناشی از فرهنگ ساکنان است [2]. نگاهی گذرا به تاریخ معماری نیز نشان می‌دهد که اقوام و گروه‌های مختلف، در هر دوره‌ای، معماری خاصی را منطبق با فرهنگ خود ارائه داده‌اند [3]. با وجود این، پس از انقلاب صنعتی، با غلبه تحلیل‌های خردگرایانه و نگاهی خوش‌بینانه به علم و تکنولوژی، طراحی بناها و سکونتگاه‌های انسانی، با عدم پابندی به موقعیت مکانی و الزامات فرهنگی، صرفاً بیان‌گر خلاقیت طراحان و در خدمت عملکردهای بدیهی‌انگاشته دوره مدرن و رویکرد زیبایی‌شناسی قرار گرفتند. این در حالی است که بنا به نظر صاحب‌نظران (به عنوان نمونه نک: راپاپورت (۲۰۰۵) و پوردیهیمی (۱۳۹۰))، هدف از طراحی محیط بیان‌های هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه طراحان نیست بلکه خلق محیط‌هایی است که مناسب استفاده‌کنندگان و پاسخگوی نیازهای کیفی آنها باشد. به این ترتیب، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش فرهنگ در طراحی محیط و پرداختن دقیق‌تر به مفهوم سبک زندگی (به مثابه ملموس‌ترین مؤلفه فرهنگ) و در نهایت ارائه روشی به منظور شناخت عمیق سبک زندگی افراد برای استفاده در طراحی محیط طرح شده است. روش پژوهش حاضر، بهره‌گیری از روش «اسنادی» توسط ابزار گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، بهره‌گیری از روش فیش‌برداری از منابع مکتوب و تکنیک تحلیل مفهومی می‌باشد. تحلیل مفهومی نوعی استراتژی تقلیل و تحلیل داده‌های کیفی است که در آن داده‌ها تقطیع، مقوله‌بندی، تلخیص و به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم اصلی مستتر در داده‌ها را در برگیرند. در این پژوهش ابتدا منابع معتبر فرهنگ، سبک زندگی و سبک زندگی فرهنگی شناسایی شده، سپس تعاریف و مفهوم‌سازی‌های آنها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

۱. نقش فرهنگ در شکل‌دهی به محیط‌های انسان‌ساخت چیست؟
۲. سبک زندگی در طراحی محیط دارای چه سطوحی است؟
۳. چگونه می‌توان به شناخت عمیق سطوح پایین سبک زندگی افراد دست پیدا کرد؟

## ۳- پیشینه پژوهش

توجه پژوهشگران به ارتباط میان فرهنگ و محیط ساخته شده به اولین نظریه‌های تکامل فرهنگی قرن ۱۹ برمی‌گردد [4]. همچنین سابقه این موضوع را می‌توان در اولین تلاش‌های حوزه انسان‌شناسی در شکل‌دهی به نظریه‌های اجتماعی-فرهنگی دنبال کرد. به عنوان نمونه، مورگان (۱۹۶۵) در کتاب «مساکن و مسکن- زندگی بومی آمریکا» ارتباط فرم خانه‌های بومی آمریکا با زندگی اشتراکی چندخانواری بومیان را بررسی کرده است. دورکم و ماس (۱۹۶۵) نیز به طور گسترده‌ای ارتباط میان زندگی اجتماعی و محیط ساخته شده، و به طور خاص سازمان فضایی مسکن، را مطالعه کرده‌اند. از نمونه‌های دیگر پژوهش-هایی که تطبیق فرم بناها را با گروه‌های اجتماعی و فرهنگ آنها مطالعه کرده‌اند می‌توان به پژوهش‌های کریستوفر الکساندر (۱۹۶۴)، فریزر (۱۹۶۸) و ماس (۱۹۷۹) اشاره کرد. در مطالعات جغرافی‌دانانی که به سنت معماری گرایش دارند نیز می‌توان توصیف‌های مربوط به چگونگی ارتباط محیط ساخته شده و فرهنگ را پیگیری کرد؛ به عنوان نمونه، پژوهش‌های بلیر (۱۹۸۳) و نپ (۱۹۸۹)، که توصیفات مربوط به یک فرهنگ خاص را در بر دارند، و پژوهش الیور (۱۹۸۷)، که توصیفات بین‌فرهنگی را دنبال کرده است، را می‌توان نام برد [5]. برخی از پژوهش‌های این حوزه نیز ارتباط فرهنگ و محیط ساخته شده را به صورت جامع‌تری تبیین کرده‌اند. به عنوان نمونه، راپاپورت (۱۹۶۹) بیان می‌کند که سبک زندگی یک گروه اجتماعی، که تمام وجوه اجتماعی-فرهنگی و مادی-معنوی زندگی را در خود دارد، تنوع فرم محیط‌های ساخته شده را توضیح می‌دهد [2]. وی در اغلب پژوهش‌های خود چارچوب جامعی را برای درک فرهنگ و چگونگی ارتباط وجوه مختلف آن با محیط ساخته شده فراهم کرده است. به عنوان نمونه می‌توان به آخرین کتاب وی در سال ۲۰۰۵ با عنوان «فرهنگ، معماری و طراحی» اشاره کرد [6].



در عرصه پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به پژوهش اردلان و بختیار (۱۹۷۳) اشاره کرد که با رویکردی نمادشناسانه ارتباط وجوه پنهان فرهنگ را با فرم‌های ساخته‌شده مطالعه و بیان کرده‌اند. همچنین پوردیهیمی در آثار مختلف خود با رویکرد مطالعات محیط-رفتار، مفهوم فرهنگ را بررسی و تلاش‌هایی به منظور مرتبط کردن این مفهوم با محیط ساخته‌شده انجام داده است. به عنوان نمونه، وی در مقاله «فرهنگ و مسکن» اهمیت فرهنگ، چستی آن و چگونگی تأثیر فرهنگ بر محیط‌های مصنوع را بررسی کرده و وجوه و حدود آن را روشن کرده است [۷]. پس از آن، وی در کتاب «منظر انسانی در محیط مسکونی» بررسی جامع‌تری در مورد چستی فرهنگ و سبک زندگی و ارتباط این مفاهیم با فضاهای معماری و محیط‌های مسکونی انجام داده است [۸]. از دیگر پژوهش‌های داخلی مرتبط می‌توان به پژوهش مظفر و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد. در این پژوهش با عنوان «فرهنگ در پژوهش‌های معماری» رویکردهای پژوهشی در مورد ارتباط فرهنگ و معماری و اهداف آن را در حوزه‌های مختلف مبانی نظری و آثار معماری تشریح و دسته‌بندی شده است [۹].

#### ۴- مبانی نظری و ادبیات پژوهش

##### ۴-۱ وجوه فرهنگ و سبک زندگی

واژه فرهنگ در زبان فارسی مرکب از پیشوند «فر»، به معنی جلو، بالاسر و پیش‌آمده و «هنگ» از ریشه باستانی «تنگ» به معنی کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است. این واژه در ادبیات فارسی معانی مختلفی داشته و با «دانش»، «علم»، «حرفه»، «فنون»، «ورزش‌ها»، «هنر»، «آموختن»، «به کار بستن»، «ادب»، «بزرگی»، «سنجیدگی» مترادف است. علاوه بر این موارد، از آن به معانی «آموزش»، «مبادی آداب»، «اهل مطالعه»، «خوش‌مشرب»، «آشنا با آداب و رسوم»، «بینش و اصول و فروع دین»، «مسائل فکری» و «معارف اسلامی» یاد شده است [۱۰]. واژه فرهنگ را در زبان انگلیسی معادل کلمه «culture» می‌دانند که سابقه آن نسبت به معادل فارسی خود کمتر می‌باشد. این واژه از نظر لغوی با معانی «کشت و زرع» و «پرورش حیوانات» ارتباط داشته است [۱۰]. آنچه از این گونه ارتباطات لغوی درک می‌شود اشاره لغت «culture» به پرورش و تعلیم و تربیت انسانی با هدفی خاص است [۹].

از منظر تخصصی، فرهنگ از جمله مفاهیمی است که در رشته‌های مختلف علوم از کاربرد وسیعی برخوردار است و همین گستردگی مفهومی بر ابهام و پیچیدگی آن می‌افزاید. وسعت استفاده از مفهوم فرهنگ در زمینه‌های گوناگون، نشانه ابعاد نهفته‌ای در این مفهوم است که آن را در رشته‌های مختلف قابل استفاده ساخته است [۹]. تعریف کلاسیک فرهنگ، در سال ۱۸۷۱، توسط تایلر انسان‌شناس انگلیسی در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه شد. وی فرهنگ را «کلیت درهم‌تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونی عادت‌هایی که انسان به مثابه عضوی از جامعه به دست می‌آورد» تعریف کرد [۱۱]. قبل از ارائه تعریف تایلر، واژه فرهنگ به این معنی در زبان انگلیسی کاربرد نداشت و تا دهه ۱۹۲۰ میلادی هم مورد استفاده عموم قرار نگرفت. با وجود این، با گذشت زمان و پیشرفت علوم، صاحب‌نظران تعاریف متعدد و گوناگونی از فرهنگ را ارائه کردند. کروبر و کلاکن (۱۹۵۲) صد و شصت و چهار تعریف از فرهنگ را در کتابی با عنوان «فرهنگ: بازبینی سنجشگرانه مفاهیم و تعاریف» گردآوری کردند. دامنه تعاریف آنها مفاهیمی مانند «رفتار آموخته» تا «نگاره‌های ذهنی» و «مکانیزم دفاعی روانی» را در بر می‌گرفت. به طور مشابه، آشوری (۱۳۸۰)، تعاریف فرهنگ را در کتابی با عنوان «تعاریف فرهنگ» و مفهوم فرهنگ «گردآوری کرده و آنها را در دسته‌های «تعاریف توصیفی»، «تعاریف تاریخی»، «تعاریف روانشناختی» و «تعاریف پیدایش‌شناختی» ارائه کرده است [۱۱]. کروبر و کلاکن، آشوری و بسیاری از صاحب‌نظران دیگر تصریح کرده‌اند که فرهنگ یک مفهوم انتزاعی است. راپاپورت (۲۰۰۵) با بیان اینکه وجود صدها تعریف انتزاعی از فرهنگ گیج‌کننده و در طراحی محیط غیرکاربردی است، تمام تعاریف فرهنگ را در سه دسته کلی و کارکرد فرهنگ را نیز در سه دسته دیگر قرار داده است. از نظر وی سه دسته از تعاریف شامل: «فرهنگ به مثابه سبک زندگی»، «فرهنگ به مثابه سیستمی از طرحواره‌های ذهنی» و «فرهنگ به مثابه روش‌هایی از سازگاری اکولوژیکی» چستی فرهنگ را توضیح می‌دهند و کارکردها و اهداف فرهنگ در سه دسته «طرحی برای زندگی»، «چارچوب معنی‌دهنده به جزئیات» و «تعریف‌کننده گروه‌ها» قرار می‌گیرند [۶]. با وجود این





#### ۴-۲- سبک زندگی

اصطلاح فارسی «سبک زندگی» متشکل از دو واژه «سبک» (به معنی الگو) و «زندگی» (مشتق از فعل زیستن که به همه امورات عینی و ذهنی انسان دلالت دارد)، برابرنهاد اصطلاح انگلیسی «Lifestyle» است. اصطلاح انگلیسی «Lifestyle» نیز از دو جزء «Life» به معنی زندگی و «Style» که در بیشتر واژه‌نامه‌های فارسی معادل با «سبک» در نظر گرفته شده تشکیل شده و به معنی الگوی متداول و رایج زندگی یک فرد، گروه یا فرهنگ خاص قلمداد شده است [12]. سبک زندگی، به عنوان یک اصطلاح تخصصی، در پژوهش‌های اولیه عمدتاً در اشتراک مفهومی با فرهنگ مورد بحث قرار گرفته است [۱۳]. این اصطلاح در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش افراد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. براساس چنین رویکردی، سبک زندگی، علاوه بر اینکه به ماهیت و محتوای خاص تعامل‌ها و کنش‌های خاص اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت‌ها، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود [۱۴]. به طور کلی سبک زندگی موضوعی است که دستمایه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی برای مقایسه طبقات اجتماعی و منزلت اجتماعی افراد است و به عبارتی مفهوم مقیاس‌پذیر برای اهداف مطالعاتی مانند رابطه آن با هویت، بهداشت سلامت، مصرف‌گرایی و ... واقع شده است [۱۵]. در جدول ۱ برخی از مهمترین تعاریف سبک زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران بررسی شده است.

جدول ۱: تعاریف سبک زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران (تنظیم: نگارندگان)

نماد	چیزیستی سبک زندگی	رشته تخصصی	تعریف	پژوهشگر
هویت فردی	نوع شخصیت	روان شناسی	کلیت ارزش‌ها، احساسات، دانش، اعمال معنی‌دار و ویژگی‌های رفتاری که منحصر به فرد بودن هر فرد را تشکیل می‌دهد و خلاقیتی حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن [16].	آدلر، ۱۹۵۶
-	الگوی متمایز خرید و مصرف	بازاریابی	بر اساس الگوی خرید کالا تعریف می‌شود و دال بر شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی است؛ شیوه‌ای که به آن طریق مصرف‌کننده خرید می‌کند و شیوه‌ای که به آن طریق کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است [17].	لازر، ۱۹۶۳
منزلت اجتماعی	شیوه زندگی	جامعه شناسی و اقتصاد	ارزش‌ها و رسم‌های مشتری‌ک، که به گروه احساس هویت جمعی می‌بخشد و کمتر آن را به عنوان روشی برای سازگاری با نیازهای روانشناختی افراد و سلاقی آزاد آنان می‌داند [18].	ویر، ۱۹۶۸
-	الگوی رفتاری و فرهنگی، باورها و جهان بینی خاص	جامعه شناسی و جرم شناسی	به روش‌هایی بر می‌گردد که طبقات و گروه‌های هم‌رتبه آن را انتخاب نموده و به این سبب نوعی از زندگی پدید می‌آید که شامل مجموعه‌ای از باورها و الگوی فرهنگی و رفتاری است. بر این اساس هر یک از طبقات اجتماعی، سبک زندگی خود را پرورش می‌دهد و «جهان‌بینی» متمایزی را به نمایش می‌گذارد [19].	مکی، ۱۹۶۹
ایجاد تمایز	رفتارهای انتخابی، الگوی فعالیت	معماری و انسان شناسی	به صورت عام عبارت است از روشی که مردم انتخاب می‌کنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای شخصیت متمایز باشند [2].	راپاپورت، ۱۹۶۹
-	رفتارهای انتخابی	جامعه شناسی	مجموعه‌ای از رفتارهای انتخابی افراد است [20].	سوبل، ۱۹۸۳
-	الگوی	فلسفه	الگوهای انتخاب فرهنگی است [21].	پترسون، ۱۹۸۳
-	نظام عملکردهای عینی و ذهنی (سلیقه)	جامعه شناسی	نظام عملکردهای طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده، مانند سلیقه هاست [22].	بورديو، ۱۹۸۴
فردیت برتر	رابطه عین و ذهن	جامعه شناسی و فلسفه	کل به هم پیوسته از اشکالی است که فرد یا گروه بنا به انگیزه‌های درونی خودشان و برای ایجاد تعادلی میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی برمی‌گزینند [23].	زیمل، ۱۹۷۸
ساخت هویت و تعلق اجتماعی	مجموعه‌ای از نمادها	جامعه شناسی	کلیت نمادهاست که هویت اجتماعی افراد را در تعاملات اجتماعی می‌سازد و می‌تواند حس تعلق به اجتماع در بین آن‌ها ایجاد کند [24].	شینز، ۱۹۸۷





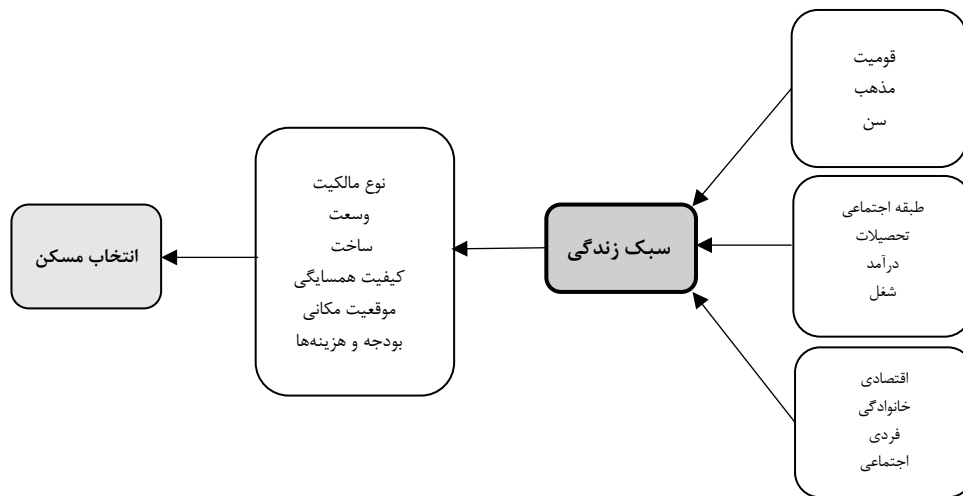
تمایز افراد و گروه ها	الگوی متمایز رفتارها	مدیریت	الگوهای متمایز رفتارهای فردی و اجتماعی است که مشخص کننده یک فرد و یا یک گروه است [25].	ویل، ۱۹۹۲
-	الگوی فعالیت-های روزمره	جامعه شناسی، مسکن و بهداشت	فعالیت‌های روزمره و چگونگی استفاده از فضا و درک معانی نهفته در آن است که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند [26].	لارنس، ۱۹۹۵
روایت	الگوی فعالیت روزمره	ارتباطات	الگوهای ویژه‌ای از فعالیت‌های روزمره است که معرف یک فرد می‌باشد [27].	رایمر، ۱۹۹۵
هویت فردی و اجتماعی	عملکردهای روزانه	جامعه شناسی	مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد برای رفع نیازها جاری و عینیت بخشیدن به روایت خاصی از هویت شخصی خود در برابر دیگران آنها را به کار می‌گیرد [28].	گیدنز، ۱۹۹۵
تمایز	الگوی کنش	جامعه شناسی	الگوهایی از کنش است، که متمایزکننده افراد از یکدیگر است [29].	چانی، ۱۹۹۶
-	الگوی رفتار سلامت محور	جامعه شناسی و سلامت	الگوهای جمعی رفتار سلامت محور که مبتنی بر انتخاب گزینه‌های موجود برای افراد مطابق با شانس‌های زندگی آن‌ها می‌باشد [30].	کوکرهام و همکاران، ۱۹۹۷
-	الگوی مصرف	جامعه شناسی و فلسفه	به الگوهای مصرف و استفاده از کالاهای مادی و نمادین که مرتبط به گروه‌ها و طبقات اجتماعی است [31].	ادگار و سدویک، ۱۹۹۹
ابراز هویت	فرهنگ زیسته	جامعه شناسی	فرهنگ زیسته ایست که افراد در درون آن به صورت فعالی هویت خود را بروز می‌دهند؛ سبک زندگی، تظاهر بیرونی هویت است [32].	مایلز، ۲۰۰۲
منزلت طبقاتی	نمایش عینی شأن و منزلت	رسانه، ارتباطات و مطالعات فرهنگی	در ارتباط با عمل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق نشیمن و سایر جلوه‌های عینی شأن و منزلت معنا دارد [33].	اسول، ۲۰۰۶
-	الگوی فردیت، خودابرازی و خودآگاهی	جامعه شناسی	در دوران معاصر بر فردیت، خودابرازی و خودآگاهی الگومند دلالت می‌کند. بدن یک فرد، پوشاک، گفتار، تفریحات اوقات فراغت، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های مورد علاقه، خانه، اتومبیل، اطلاعات و ... را باید به عنوان شاخص‌های فردیت سلیقه و سبک زندگی قلمداد کرد [34].	فدرستون، ۲۰۰۷
ایجاد هویت	ویژگی رفتارها، الگوی رفتارها	جامعه شناسی	ویژگی‌های متمایز یا الگوهای تشخیص‌پذیر رفتارها که منعکس کننده آن علایق مشترک و موقعیت‌های زندگی است که ارزش‌ها، نگرش‌ها، و کنش‌های مرتبط را در هم متشکل می‌کند که هویت‌های ویژه‌ای را ایجاد می‌کنند [35].	هندریکس و راسل، ۲۰۰۹
روایت	شیوه زندگی	جامعه شناسی	به شیوه زندگی تصویب‌شده یک گروه و یا چندین قوم اشاره دارد [36].	پندیکتر و همکاران، ۲۰۱۱
-	سیستم نگرشی، ارزشی و رفتاری	بازاریابی	سیستم یکپارچه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، علایق، عقاید و رفتارهای مشهود افراد است [37].	ساتیش و راجموهان، ۲۰۱۲
-	الگوی مجموعه نظام مند کنش-های مرجع	جامعه شناسی	الگویی همگرا از رفتارهای درونی و بیرونی، وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌هایی می‌داند که فرد یا گروه براساس پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه اش) را در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند [۳۸].	مهدوی کنی، ۱۳۸۶
-	الگوی انتخابی، نحوه انجام فعالیت‌ها	معماری	به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و نحوه انجام فعالیت‌ها مربوط می‌شود [۷].	پوردیهیمی، ۱۳۹۰

مرور تعاریف و تحلیل‌های تخصصی صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از سبک زندگی (جدول ۱)، نشان‌دهنده گستردگی مفهومی سبک زندگی و عدم توافق کامل میان صاحب‌نظران در تعریف این اصطلاح است. با وجود این، باید توجه داشت که تعاریف ارائه‌شده در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل هم بوده و وجوه مختلف این مفهوم را آشکار می‌کنند. از میان وجوه مشترک تعاریف می‌توان به «ارتباط نظام‌مند عناصر سبک زندگی در راستای ایجاد یک کل»، «انتخابی بودن سبک زندگی»، «فردی یا جمعی بودن سبک زندگی»، «توجه به وجوه عینی و ذهنی سبک زندگی» و «توجه به وجوه نمادین و کارکردی سبک زندگی» اشاره کرد.



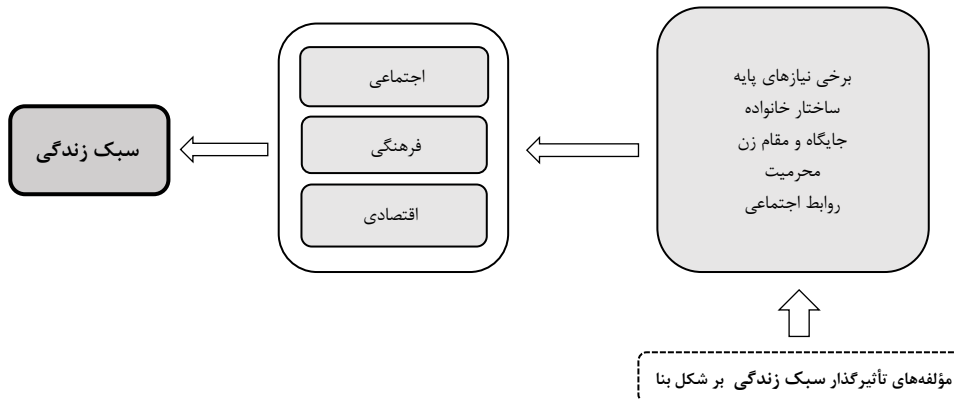
### ۵- سبک زندگی و محیط ساخته شده

سبک زندگی خود را بیش از هر چیز در «سلیقه» یا «ترجیحات» یعنی در برداشت‌ها و ارزیابی‌های زیبایی‌شناختی یعنی در حقیقت در «انتخاب»‌های فرهنگی افراد در گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که سبب «تمایز» یافتن آنها از سایر گروه‌ها، مرزبندی و شکل گرفتن رفتارها و منش‌ها افراد می‌شود. بوردیو (۱۹۷۹)، تلاش می‌کند با فاصله گرفتن از مفهوم زیبایی‌شناختی کانتی، ثابت کند که «سلیقه» نه انتخابی ذاتی بلکه حاصل انعکاس یافتن ساختارهای حاکمیت در منش‌ها، یعنی حاصل قدرت نمادین است. این امر را بوردیو با طیف گسترده‌ای از انتخاب‌ها شامل غذا، نوع مسکن، دکوراسیون، نوع خودرو، موسیقی و آواز، نقاشی، موضوع‌های مورد علاقه برای عکاسی و... نشان می‌دهد [۳۹]. به عنوان نمونه، شیوه تأثیر سبک زندگی خانواده بر انتخاب مسکن در شکل ۳ نشان داده شده است. سن، تحصیلات، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، درآمد، ثروت، حضور فرزندان، وضعیت تأهل، موقعیت مکانی، ارزش‌ها و سرگرمی‌ها در این زمینه اثرگذارند [40].



شکل ۳: عوامل موثر بر سبک زندگی متفاوت افراد در انتخاب مسکن [40] (باز ترسیم: نگارندگان)

بر اساس نظر راپاپورت (۲۰۰۵)، اساساً «سبک»، چه مربوط به زندگی باشد و چه مربوط به انتخاب یا طراحی محیط باشد، نتیجه انتخاب سیستماتیک از میان گزینه‌هاست [6]. به عنوان نمونه، وی مهمترین مؤلفه‌های سبک زندگی که بر انتخاب شکل بنا در معماری بومی تأثیرگذار هستند را «برخی نیازهای پایه»، «ساختار خانواده»، «جایگاه و مقام زن»، «محرمیت» و «روابط اجتماعی» معرفی می‌کند [۴۱].



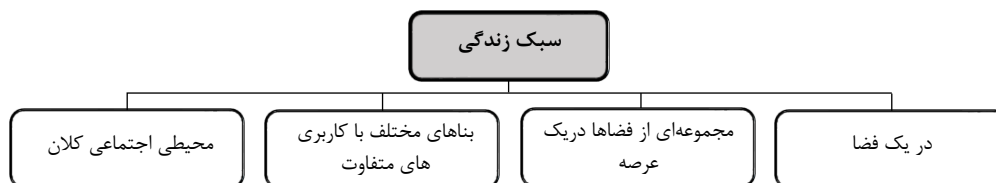
شکل ۴: عوامل مؤثر سبک زندگی بر شکل بنا [۴۱] (باز ترسیم: نگارندگان)



با وجود این، راپاپورت استدلال می‌کند که، حتی شکل‌دهی به محیط‌های ساخته‌شده معاصر نیز فرآیند انتخاب از میان گزینه‌ها است و اینکه چه کسانی چه معیارهایی را برای شکل‌دهی به محیط انتخاب کنند متأثر از سیستم فرهنگی و سبک زندگی است. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که، مفهوم سبک زندگی به طور ویژه به انتخاب کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها (شامل خود فعالیت‌ها، چگونگی انجام آنها، ارتباط سیستماتیک فعالیت‌ها با یکدیگر و معنی فعالیت‌ها) و کیفیت‌های محیطی، که مربوط به سبک زندگی در محیط‌ها می‌باشد، منجر می‌شود [۷].

### ۵-۱- سطوح سبک زندگی در محیط ساخته‌شده

مسئله سبک زندگی و پویایی انسان در تغییر محیط و ساختن آن از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری بناهاست و نمی‌توان همه چیز را به عوامل زیستی تقلیل داد. عوامل مؤثر در سبک زندگی می‌توانند عوامل زیستی ابتدایی را تحت تأثیر قرار دهند، در بعضی موارد فرهنگ و سنت‌ها در مقابل حرکت‌های بوم‌شناختی حتی رقابت‌های اقتصادی ایستادگی می‌کند به عنوان مثال، فایری اشاره می‌کند افرادی که در محله ایتالیایی بوستن زندگی می‌کنند وضع مالی نسبتاً خوبی دارند و می‌توانند به مکان‌های مطلوب‌تری برای سکونت بروند اما پیوندهای خویشاوندی و گروهی مانع این کار است [42]. در این بین مسکن و مجموعه‌های زیستی بیان مادی سبک زندگی می‌باشند؛ به این معنی که سبک زندگی صورت نمادین آنها را می‌سازد. انتخاب و گزینش نوع خاص سبک زندگی که خود محصول رفتار و تعامل فردی و گروهی انسان است، باعث شکل‌گیری فضای سکونت می‌شود. این گفتمان مکان‌گزینی و فضای سکونت در رابطه با سبک زندگی به عنوان موضوعی جدید و قابل تأمل در چند دهه معاصر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم و از جمله در حوزه معماری و طراحی بوده است [43]. مشخصه مهم مسکن در زمینه اجتماعی به روابط فرد با دیگران یا به جنبه اجتماعی بین‌فردی به‌ویژه زندگی خانوادگی مربوط است و تعامل و ارتباط بین افراد از یک فرد تا یک خانواده و مجموع چند خانوار را دربرمی‌گیرد [44]. در این صورت شخصیت فرد، روابط متقابل با دیگران و هنجارهای که فرد در قبول آنها با دیگران شریک است نقش مؤثری در تعریف مسکن و عملکرد اجتماعی آن ایفا می‌کند [45]. مسکن را نمی‌توان جدا از زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی آن مورد توجه و مطالعه قرار داد و باید به عنوان بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی که مسکن و سبک زندگی، مجتمع زیستی و حتی منظر را دربرمی‌گیرد، مورد بررسی قرار داد. انسان در مجموعه‌ای زندگی می‌کند که مسکن یکی از عناصر آن است. در نتیجه نحوه استفاده انسان از آن، شکل و ساختار مسکن را تغییر می‌دهد. لارنس در زمینه سبک زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا معتقد است که به منظور درک معانی نهفته در طراحی مسکن باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانونمندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. سبک زندگی، که نقش محوری در این ارتباط ایفا می‌کند می‌تواند باعث درک کشف چگونگی استفاده از فضاها، بسیار سودمند باشند [43]. سبک زندگی در هر یک از فضاها زندگی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. همچنین آن در مجموعه‌ای از فضاها که با هدف مشخصی در یک بنا در نظر گرفته می‌شود، نیز شرایط گوناگونی پیدا می‌کند. پوردیهیمی (۱۳۹۰)، در یک تقسیم‌بندی، سبک زندگی در محیط‌های ساخته شده را در چهار دسته سبک زندگی در یک فضا، سبک زندگی در مجموعه‌ای از فضاها در یک عرصه، سبک زندگی در بناهای مختلف با کاربری‌های متفاوت و سبک زندگی اجتماعی در محیط اجتماعی کلان دسته‌بندی کرده است (شکل ۵). زندگی اجتماعی نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شود؛ یکی زندگی اجتماعی خویشاوندی که شامل رابطه با خویشاوندان و خانواده است و دیگری زندگی اجتماعی عمومی، که شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

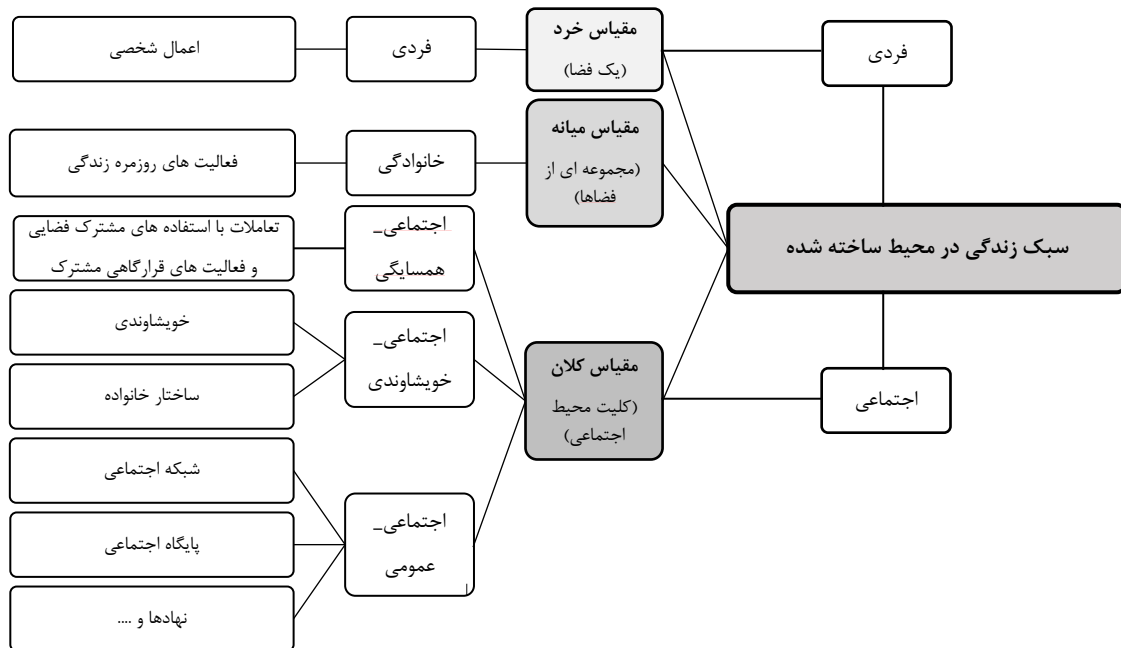


شکل ۵: سطوح سبک زندگی در محیط ساخته‌شده [۷] (تنظیم: نگارندگان)





بنابراین می‌توان گفت، سبک زندگی انسان در سطوح مختلف روی می‌دهد و قرارگاه‌های رفتاری، که محدوده‌ای هستند که یک الگوی رفتاری در آنجا اتفاق می‌افتد، در هر سطح سبک زندگی بر حسب نوع و هدف تعامل با دیگران در محیط ساخته شده ساماندهی می‌شوند. در این ساماندهی فضایی، قرارگاه‌هایی که در خدمت سطوح مختلف سبک زندگی هستند، از خصوصیات آشکار فعالیت‌های قرارگاه‌ها و معانی ضمنی فعالیت‌های آن تأثیر می‌پذیرند [۱۵]. سطح خرد سبک زندگی در یک فضا، فردی بوده و مربوط به اعمال شخصی افراد مانند خوابیدن، نشستن، غذا خوردن و ... می‌باشد. سطح بعدی سبک زندگی تحت عنوان سطح میانه سبک زندگی، در مجموعه‌ای از فضاها در یک عرصه است که می‌تواند در سطح سبک زندگی خانوادگی در فضاها گوناگونی مانند آشپزخانه، نشیمن و ... در یک واحد مسکونی باشد؛ تعاملات در آن غالباً فعالیت‌های روزمره زندگی افراد است و عاملین آن اعضای خانواده هستند. سطح کلان سبک زندگی در سطح اول در بناهای مختلف با کاربری‌های متفاوت به صورت اجتماعی-همسایگی بوده و به تعاملات واحدهای مسکونی همجوار با استفاده‌های مشترک فضایی و فعالیت‌هایی در قرارگاه‌های رفتاری مشترک صورت می‌گیرد، مربوط است. تعاملات این سطح از سبک زندگی می‌تواند مانند همکاری-ها، گفتگوها و دورهم‌نشینی‌های افراد در فضای مشترک (که الگو رفتاری مشترکی در آن محدوده جریان دارد) باشد. همچنین سطح کلان سبک زندگی به صورت اجتماعی در محیطی وسیع‌تر، شامل دو سطح اجتماعی-خویشاوندی (که تعاملات با خویشاوندان و بنیان خانواده را در برمی‌گیرد) و اجتماعی-عمومی (که تعاملات افراد در سطح وسیع اجتماع نظیر شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، نهادها و ... در جامعه را شامل می‌شود)، اتفاق می‌افتد (شکل ۶).



شکل ۶: سطوح مختلف سبک زندگی در محیط ساخته شده (تنظیم: نگارندگان)

عمدتاً سطح مربوط به خانواده و فرد در مقیاس‌های سبک زندگی کمرنگ می‌باشد و پژوهشگران صرفاً نگاهی بیرونی به رفتارها و فعالیت‌های افراد دارند. در این راستا به منظور بازخوانی و شناخت دقیق‌تر سبک‌های زندگی در سطح خانواده و فرد و دستیابی به لایه‌های پنهان ذهن بایستی از روایت زندگی کمک گرفت.

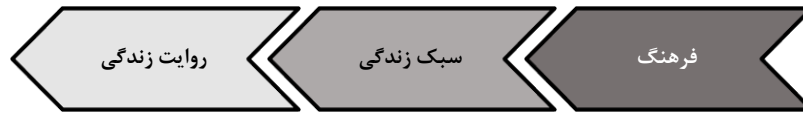
## ۶- روایت زندگی

واژه «روایت» در زبان انگلیسی معادل واژه «narrative» است که برگرفته از واژه لاتین gnaru (از ریشه gnu) و از واژه‌های آغازین هندی-اروپایی، به معنای دانستن می‌باشد. شکل‌گیری روایت مبتنی بر سه گانه «رویداد»، «راوی» و «مخاطب»



تعریف شده است. در نظریه کلاسیک روایت، نقش راوی پررنگ می‌شود و ذات روایت در بازتاب واقعیت «از دید راوی» معنا می‌یابد [46]. یکی از وجوه غالب در تفاسیر معاصر از روایت، تأکید بر نقش مخاطب، ادراک و دریافت او از موضوع (مبتنی بر تخیل و تجسم ذهنی) است و اینکه هر کس حوادث روایت را از دریچه ذهن خود و به شیوه خود می‌فهمد [47]. روایت، بازگویی رویدادها، رابطه‌ها، رفتار و گفتار شخصیت‌های واقعی است که از سازماندهی خاطرات و احساسات بر اساس یک جهت خاص نشأت می‌گیرد، این جهت برگرفته از نیاز طبیعی انسان به معنا بخشی به زندگی و سلسله رویدادهای آن است و بر قابلیت ذهن در تبدیل تخیلات پراکنده به داستانی که در آن نظامی از رویدادها، بنا بر جهتی آشکار و یا پنهان، خطی و یا غیرخطی تعریف می‌شوند، استوار است [48]. خوانش روایت زندگی با تأکید بر مرور خاطر، روشی برای شناخت سبک زندگی افراد از منظر ذهن می‌باشد. این شیوه تفسیر به جای روابط فیزیکی، بر ساختار زندگی در معماری تأکید داشته و موضوع ذهنیت را مبنای شناخت قرار می‌دهد [49].

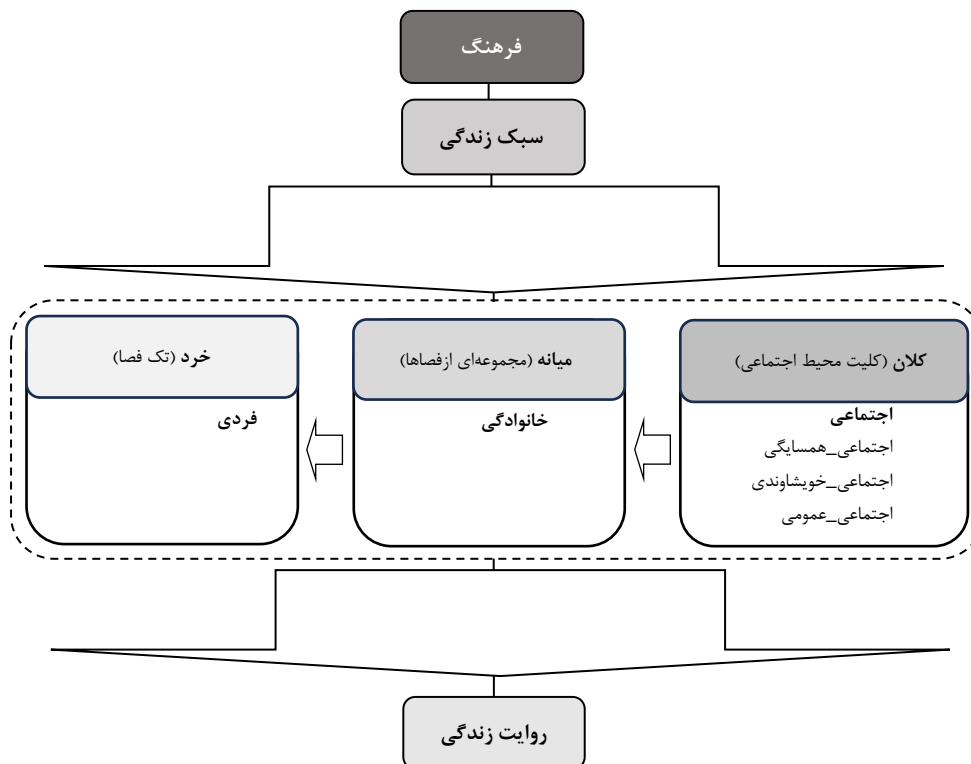
روایت را می‌توان شیوه‌ای برای یافتن یک هدف و مقصود برای معماری یا روشی برای ورود به ساختار، متن و محتوای اثر معماری دانست. به عبارتی زندگی و فعالیت‌های روزمره هر انسانی در فضای معماری، روایتی است. این روایت‌ها و داستان‌ها تأثیرگذاری فراوانی بر طراحی معماری دارند [50]. به عقیده عده‌ای از پژوهشگران از جمله پوردیهیمی (۱۴۰۱)، سبک زندگی بخشی از فرهنگ و وابسته به اطلاعات ذهنی افراد است. به عبارتی دیگر، این مفهوم بسیاری از جزئیات رفتارهای انسان، که ویژگی‌های نژادی، شخصیتی، اجتماعی و علمی او را شامل می‌شود را دربرمی‌گیرد، که از آن می‌توان تحت عنوان «روایت زندگی» نام برد. روایت زندگی حتی روی کلام انسان‌ها اثر گذار است. از منظر ذهن، روایت، بازگویی رویدادها، رابطه‌ها و رفتار شخصیت‌های واقعی است که از سازماندهی خاطرات و احساسات بر اساس یک جهت خاص که برگرفته از نیاز طبیعی زندگی انسان بوده و بر قابلیت ذهن وی استوار می‌باشد، نشأت گرفته است [48]. تأکید بر نقش مخاطب و دریافت او از موضوع از وجوه غالب در تفسیر روایی بوده و اینکه هر کس حوادث را از دریچه ذهن خود می‌فهمد [47]. با این وجود به صورت علمی، توصیف روایی این خاصیت را در خود دارد که مخاطب را به باز تجربه رویداد زمانمند نزدیک می‌کند. برای فهم تجربه زیسته، امکان‌ها و ویژگی‌های مکان و حالات درونی آدمی در ماجرای از زندگی حاضرند، نیروی برانگیزاننده خیال، در بن روایتی از زندگی نهفته است. باید تمامی عناصر معنادار رویداد به تجربه درآید تا نیروی عاطفی درون آن هم فهم شود. برای انتقال این تجربه درونی- بیرونی به دیگری نیز، باید مخاطب یا شنونده در کیفیت یکپارچه و جزئی تجربه زیسته به تمامی شریک شود و با قوه خیال خود نقشی فعال داشته باشد. این اتفاق هنگامی رخ می‌دهد که شنونده نیز خود را در متن رویدادی از زندگی قرار دهد، با گوینده هم‌ذات‌پنداری کند و همزمان شروع به خیال‌پردازی درباره آن اتفاق کند تا اگر او هم آن تجربه را مطلوب یافت از خیالش لذت ببرد و به این واسطه به فهم تجربه نزدیک‌تر شود. این خیال‌پردازی او را در متن روایت قرار دهد و تناسب حال درونی ساکن خانه و کالبد محسوس خانه در آن رویداد یا مطلوبیت تجربه زیسته را با امکان‌های بیشتری از وجود خود فهم کند و به این ترتیب تجربه‌اش به تجربه ملموس نزدیک‌تر شود. از سوی دیگر مطلوبیت تجربه زیسته در مسکن با فهم حالات درونی آدمی در رویدادی از زندگی و نسبت آن با ویژگی‌های مکان قابل آشکار شدن است [51]. نگاهی به مفهوم روایت و رابطه آن با زندگی، بستری را برای طرح نسبت روایت و معماری ایجاد می‌کند. چرا که معماری نیز در تعاریف مختلف خود با زندگی انسان پیوند خورده است [52]. روایت با ایجاد بستری زمانی و مخیل و متناسب با ویژگی‌های تجربه زیسته در مسکن، روشی مناسب برای بازنمایی و انتقال کیفیت معنادار این تجربه به دیگری است [53]. روایت همواره سخنی است که به جایگاه راوی وابسته است. از این ویژگی معمولاً در ذکر اهمیت نقطه دید در روایت یاد می‌کنند. این ویژگی روایت، امکان مهمی برای توصیف تجربه زیسته اول شخص می‌دهد. ضمن اینکه همواره ملموس است و از دام انتزاعی شدن و کلی‌گویی می‌گریزد [51]. بنابراین می‌توان با بیان روایت به عنوان مفهومی جزئی‌تر به منظور دستیابی به لایه‌های پنهان و عمیق سبک زندگی افراد در محیط ساخته‌شده در سطوح پایین و خرد آن، در راستای طراحی محیطی برای فهم و درک بهتر مخاطب، بهره‌برد (شکل ۷).



شکل ۷: سطوح مختلف تعاریف به منظور کاربردی کردن فرهنگ در طراحی محیط (منبع: نگارندگان)

### ۷- نتیجه گیری

سبک زندگی، تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از طریق آن می توان به تمایزهای فردی و گروهی، و در پی آن به هویت افراد و گروه ها، دست پیدا کرد. همچنین با توجه به اینکه سبک زندگی به سیستم فعالیت ها و ویژگی های خاص قرارگاه های رفتاری منتهی می شود، ارتباط میان فرهنگ و محیط ساخته شده را به خوبی توضیح می دهد. از این رو، مفیدترین راه برای طراحی محیط بر مبنای فرهنگ، مطالعه سبک زندگی افراد و سازگار کردن وجوه عینی و ذهنی آن است. به این ترتیب، شناخت معانی پنهان فعالیت های افراد برای طراحان محیط ضرورت و اهمیت دارد. مرور منابع مکتوب نشان می دهد که اغلب پژوهشگران با اتخاذ رویکرد برون فرهنگی (اتیک)، رفتارهای آشکار افراد را از منظر یک مشاهده گر بیرونی تبیین کرده اند. با توجه به اینکه فهم معانی فعالیت های کاربران محیط نیازمند توصیف دقیق و روایت جزئیات فعالیت ها توسط خود آنهاست، پژوهش حاضر با هدف شناخت لایه های پنهان و عمیق سبک زندگی افراد، استفاده توأمان از دو رویکرد «درون فرهنگی» (امیک)، به منظور توصیف دقیق فعالیت ها، و «برون فرهنگی»، به منظور تحلیل و تبیین فعالیت ها، را توصیه و اصطلاح «روایت زندگی» را در تکمیل مفهوم سبک زندگی عرضه می کند (شکل ۸). روایت زندگی تجربه زیسته افراد را از طریق گفتگو و مصاحبه با افراد در بستر پژوهش از منظر راوی، که همان کاربر فضاست، وارد مطالعه می کند. با توجه به اینکه روایت زندگی، حالات درونی یا ذهنیات راوی و فعالیت های آشکار وی در محیط ساخته شده را به هم پیوند می دهد، امکان پرهیز از کلی نگری و نگاه انتزاعی به سبک زندگی را فراهم می کند.



شکل ۸: ارتباط فرهنگ، سبک زندگی و روایت زندگی با سطوح مختلف سبک زندگی (منبع: نگارندگان)



## مراجع

- [۱] آشوری، داریورش. ۱۳۸۰، تعریف ها و مفهوم فرهنگ. چاپ اول. تهران: آگاه.
- [2] Rapoport, Amos. (1969). *A. House Form and Culture*, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall.
- [۳] فلامکی، منصور. ۱۳۷۱، شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب، تهران: نشر فضا.
- [4] Lawrence, D. L., & Low, S. M. (1990). *The Built Environment and Spatial Form*. Annual Review of Anthropology, 19, 453-505. [5] Oliver, Paul.(1997), *Shelter and society*. London: Barrie & Rockliff/Cresset Press.
- [6] Rapoport, Amos. (2005). *Culture Architecture and design*, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA.
- [۷] پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا. ص: ۳-۱۸.
- [۸] پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۴. منظر انسانی در محیط مسکونی، چاپ اول. تهران: آرمان شهر.
- [۹] فرهنگ، مظفر. حسینی، باقر، عبدمجیری، امین. ۱۳۹۱. فرهنگ در پژوهش های معماری. مسکن و محیط روستا، ۱۳۸، ص: ۲۹-۳۸.
- [۱۰] روح الامینی، محمود. ۱۳۷۷. زمینه فرهنگ شناسی تعریفی در انسان شناسی. مردم شناسی چاپ چهارم. تهران: عطار.
- [11] Tylor, E. B. (1974). *Primitive culture: researches into the development of mythology, philosophy, religion, art, and custom*. New York: Gordon Press
- [12] Merriam-Webster. (2014, 03 11). Webster Online Dic. Retrieved from <http://www.merriamwebster.com/netdict.htm>.
- [۱۳] حسینی، محمد حسین، ذکایی، محمد سعید، طالبی، ابوتراب، انتظاری، علی. ۱۳۹۶. مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ص: ۲۳-۴۵.
- [۱۴] فاضل قانع، حمید. ۱۳۹۲، سبک زندگی براساس آموزه های اسلامی، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما قم.
- [۱۵] افشاری، محسن. پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۵. مقیاس های روش زندگی انسان در مسکن، مسکن و محیط روستا. ۱۵۴-۳-۱۶.
- [16] Adler, A. (1956). *The Individual Psychology of Alfred Adler: A Systematic Presentation in Selections from His Writings*. New York : Basic Books.
- [17] Lazer, W. (1963). *Life-Style Concepts & Marketing*. In S.A. Greyser (ed.), *Toward Scientific Marketing* (Chicago: American Marketing Association), 130-139.
- [18] Weber, M. (1968). *Economy and society; an outline of interpretive sociology*. New York: Bedminster Press.
- [19] Mckee, J. B. (1969). *Introduction to Sociology*. Holt Rinehart and Winston Inc.
- [20] Sobel, M. E. (1983). *Lifestyle Expenditures in Contemporary America: Relations Between Stratification and Culture*. American Behavioral Scientist, 26(4), 521-533.
- [21] PETERSON, R. A. (1983). *Patterns of Cultural Choice: A Prolegomenon*. American Behavioral Scientist, 26(4), 422-438.
- [22] Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction. A social critique of the judgement of taste*. London: Routledge.
- [23] Simmel, G. (1978). *The philosophy of money*. London; Boston: Routledge & Kegan Paul.
- [24] Scheys, M. (1987). *The Power of Lifestyle*. Society and Leisure, 10(2), 249-266.
- [25] Veal, A. J. (1993). *The concept of lifestyle: A review*. Leisure Studies, 12(4), 233-252.
- [26] Lawrence, R.J., *Deciphering home: an integrative historical perspective*, In: Benjamin and Stea, 1995.
- [27] Reimer, B. (1995). *Youth and modern lifestyles*. In J. Fornäs & G. Bolin (Eds.), *Youth culture in late modernity*. London; Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications.
- [28] Giddens, A (1995), *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford, California: Stanford University Press.
- [29] Chaney, David. (1996). *Lifestyles: Key Ideas*, Routledge, London.
- [30] Cockerham, W. C., Rütten, A., & Abel, T. (1997). *Conceptualizing Contemporary Health Lifestyles*. Sociological Quarterly, 38(2), 321-342.
- [31] Edgar, A., & Sedgwick, P. R. (1999). *Key concepts in cultural theory*. London; New York: Routledge.
- [32] Miles, S., Anderson, A., & Meethan, K. (2002). *The changing consumer : markets and meanings*. London; New York: Routledge.
- [33] Oswell, D. (2006). *Culture and Society*, SAGE, London.
- [34] Featherstone, M. (2007). *Consumer culture and postmodernism*. Los Angeles: SAGE Publications.



- [35] Hendricks, J., & Russell, H. L. (2009). Theorizing Lifestyle: Exploring Agency and Structure in the Life Course. In V. L. Bengtson, M. Silverstein, N. M. Putney, & D. Gans (Eds.), Handbook of Theories of Aging. New York: Springer.
- [36] Benedikter Roland, Juergensmeyer M, Anhe H. (2011), Lifestyle, the Sage Encyclopedia of Global Studies.
- [37] Sathish, S., & Rajmohan, A. (2012). Consumer Behaviour and lifestyle Marketing International Journal of Marketing, Financial Services & Management Research, 1(10), 152-166.
- [38] مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۶، مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱)، ۲۳۰-۱۹۹.
- [39] فکوهی، ناصر. ۱۳۸۶. تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.
- [40] Beamish, Julia O. Carucci Goss, Rosemary. Emmel, JoAnn. (2001), LIFESTYLE INFLUENCES ON HOUSING PREFERENCES.
- [41] راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. انسان شناسی مسکن. ت: افضلیان، خسرو. چاپ دوم. تهران: انتشارات کتابکده کسری.
- [42] Reissman, Leonard. (1970). The Urban Process. New York: The Free Press.
- [43] ابراهیمی، غلامرضا، سلطانزاده، حسین، کرامتی، غزال، ۱۳۹۶. بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه های اواخر قاجار شهر همدان. باغ نظر. ۱۴(۴۷)، ص: ۳۸-۲۹.
- [44] Smith .S. G, "The essential qualities of a home". Journal of Environmental Psychology 14 (1994), pp. 31-46.
- [45] پوردیهیمی، شهرام، زمانی، بهادر و نگین تاجی، صمد. ۱۳۹۴. رویکردی انسانی به مسکن، ص: ۵۴. ص: ۵-۱۴.
- [46] Schmid, Wolf (2010), Narratology, An Introduction, Translation from German by Alexander Starritt, De Gruyter, Berlin and New York.
- [47] Shirazi, Mohammadreza (2009), Architectural Theory and Practice, and the Question of Phenomenology (The Contribution of Tadao Ando to the Phenomenological Discourse) Brandenburgischen Technischen Universität.
- [48] Ricoeur, Paul. (1984), Time and Narrative, Vol. 1, translation by K. McLaughlin & D. Pellaver, University of Chicago Press, Chicago & London.
- [49] اکبری مریم، بهبهانی رضا، ایرانی بهبهانی هما. ۱۴۰۰. تفسیر معماری خانه های درونگرای ایرانی بر مبنای منظر ذهنی در روایت زندگی (با تأکید بر رستاخیز خاطر و تئوری موبیوس). پژوهش های معماری اسلامی. ۱۴۰۰؛ ۹ (۴) ۱۶۰-۱۴۱.
- [50] Nazidizajia, Sajjad., Tomea, Ana., Regateirob, Francisco., Keshtkar Ghalatic, Ahmadreza., 2015, Narrative ways of architecture education: A case study, 7th World Conference on Educational Sciences, (WCES-2015), 05-07 February 2015, Novotel, Athens Convention Center, Athens, Greece.
- [51] طباطبایی ابراهیمی، سیدعلی، زهره، تفضلی. ۱۳۹۷. روایت خانه: روشی برای فهم و بازنمایی مطلوبیت تجربه زیسته در خانه، مطالعات معماری ایران، دو فصلنامه معماری ایرانی، ۱۴، ص: ۱۴۷-۱۲۵.
- [52] ندیمی، حمید. شریف زاده، سمیه. و طباطبایی لطفی، زکیه السادات. ۱۳۹۸. نقش آفرینی تفکر روایت محور و فرصت های آن در کارگاه های آموزش طراحی معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۲۴)، ص: ۸۵-۱۰۰.
- [53] Perez Gomez, Alberto. 1999. Hermeneutics as Discourse in Design, Design Issues 15 (2): MIT Press.